

مهاجرین و سرقت‌های مسلحانه در کلانشهرها

دیندار رقیه^{۱۲۲}

عالیزاده موسی^{۱۲۳}

ستوده مجتبی^{۱۲۴}

چکیده :

مقوله مهاجران در کلان شهرها، به یکی از بحران های موجود و تاثیر گذار در امنیت اجتماعی و اقتصادی کشورها مبدل شده است. هر ساله میزان جمعیت و سهم آنان در بروز ناامنی ها که بر گرفته از فاصله نامتناسب و ناهمگون توسعه اقتصادی، فرهنگی، علمی، آموزشی، رفاهی و ... میان شهرهای بزرگ با شهرهای کوچک و به دور از مراکز قدرت و ثروت می باشد، رو به فزونی است. این جمعیت عمدتاً^۱ که به جهت ناچاری و انواع محرومیتها به سمت شهرهای بزرگ مهاجرت می نمایند، به زندگی در حاشیه و اکناف شهرهایی همچون تهران بزرگ و مشهد روی می آورند و در این رهگذر با آثار مفراط خستگی ناشی از دوری زادگاه، قوم و خویش، محرومیت های سنگین، نظاره گر وضعیت های سطوح زندگی با شهرنشینان شده و سهم خود را در تحقق انتظارات، ناچیز و آمال شان را عقیم و دست نیافتنی می بینند و این سبب می شود تا مکانسیم فکرشان مختلف و روانشان ناآرام و مستعد ورود و گرایش به بزه و بزه کاری گردد.

این مقاله بر آنست تا با تبیین علمی رابطه مهاجرین و سرقت های مسلحانه بعنوان یک جرم خشن در کلان شهرهای ، به این سؤال پاسخ دهد که آیا مهاجرین در سرقت های کلان شهرها نقش موثری دارند یا خیر؟ و یا چرا و در چگونه بافت قومی و فرهنگی و محیط جغرافیایی و اقلیمی، در روحیه پرخاشگیری مهاجران در ارتکاب سرقت های مسلحانه تاثیر گذار است؟ پس از تبیین این مهم، به چگونگی روابط پنهان بهره هوشی و امکان دسترسی به سلاح در گرایش آنان به سرقت های مسلحانه و بروز جنبه های منفی مهاجرت و آثار مخرب آن در امنیت اجتماعی و اقتصادی اشاره می شود.

کلید واژگان : سرقت‌های مسلحانه (Armed Robbery) / مهاجرت (Migrate) / حالت های خطرناک (Dangerous Maner) /

امنیت (Security)

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل (اردبیل- میدان بسیج- دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل- تحصیلات تکمیلی- (۰۹۱) ۴۷۴۲۹۴۳۱

** کارشناس ارشد کشف علمی جرایم و رئیس پلیس آگاهی فا.ا. اردبیل (اردبیل- پلیس آگاهی فا.ا. اردبیل- (۰۹۱) ۴۴۵۱۳۲۴۶

^{۱۲۲} دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

^{۱۲۳} کارشناس ارشد کشف علمی جرایم و رئیس پلیس آگاهی فا.ا. اردبیل

^{۱۲۴} مدرس دانشکده سماء دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل و محقق درون سازمانی فا.ا. اردبیل

*** مدرس دانشکده سماء دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل (اردبیل- دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل- ۰۹۱۴۷۴۳۳۸۰۰ / Snow_man.1983@yahoo.com؛ مسئول پاسخگویی مقاله)

مقدمه :

توجه به تاثیر پدیده های جمعی و کنش های متقابل اجتماعی در رفتار آدمی، موضوعی نیست که انسان قرن بیست و یکم به آن پی برده باشد، بلکه از آن زمان که انسان به هستی اجتماعی خود آگاهی یافته، همواره کوشیده است تا مناسبت ها و پیوندهای اجتماعی خود با دیگران را بررسی کرده و تعیین کند. اما کمتر از یک قرن است که انسان روشهای علمی و تجربی را در شناخت و تبیین پیوندهای اجتماعی بکار گرفته و نابسامانی ها و آسیب های اجتماعی را که دستاوردها خود اوست مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. آدمیان این نابسامانی ها را به عنوان ریشه های اصلی بزهکاری، باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کنند.

انواع نابسامانی های اقتصادی- اجتماعی از قبیل فقر، تورم، بیکاری و فقدان امنیت مالی و حقوقی و سایر عوامل که باعث «محرومیت» می شوند، زمینه مساعد را برای ارتکاب جرم فراهم می کند. (فرجاد، ۱۳۸۶: ۱۹۵ تا ۲۰۸) از طرف دیگر ماهیت ارزشها و ضوابط فرهنگی حاکم بر جامعه که همبستگی گروهی و صبر و تحمل فردی را تشویق می کنند و یا بر موفقیت مادی و منافع فردی تاثیر می گذارند، انگیزه های لازم را برای زیستن در حریم قانون یا برعکس درگیری های مجرمانه فراهم می سازند. در سال های اخیر، به دلیل نوع سیاست گذاری ها در ساخت نظام اقتصادی کشورمان، اشتغال شهرهای بزرگ و صنعتی را به زیان اشتغال در شهرهای کوچک و روستایی رقم زده است. از بین رفتن جاذبه های کشاورزی، دامپروری و درآمد اندک آن برای روستائیان که با کمبود زمین زراعی، آب و علوفه و وسایل کشاورزی مواجهند و فزونی جمعیت حاصل از زاد و ولد غیر متعارف در جامعه به ویژه در شهرهای کوچک و کم شدن فرصت شغلی، موجب گسترش روند مهاجرت به شهرهای بزرگ و به وجود آمدن شهرک های اقماری، رواج یافتن خدمات سخت، به خصوص کار ساختمانی و امثالهم بوده است. در نتیجه آن قسمت از رشد جمعیت شهری که ناشی از مهاجرت است بر الگوی اشتغال شهری تاثیر منفی گذاشته و موجب بروز بیکاری آشکار و پنهان در شهرها شده است.

نگارنده در این اثر کوشیده است ضمن بررسی علل گرایش افراد به سرقتهای مسلحانه، پیامدهای مهاجرت را نیز که در افزایش بزهکاری مهاجران همراه با بروز حالت های خطرناک در کلان شهرها به منزله مقصد و خاستگاه آن تاثیر می گذارد توصیف و تحلیل نماید.

به هر حال در بررسی نقش مهاجران در سرقت های مسلحانه کلان شهرها، بررسی انگیزه و علل گرایش به این بزه پرداخته شده است و با توجه به بررسی موضوع در گذشته طبعاً یک تحقیق پس رویدادی است و برای اینکه محقق بتواند متغیرهای تاثیر گذار در وقوع سرقت های مسلحانه را بهتر شناسایی و تبیین کند، ترجیحاً از روش علی - مقایسه ای بهره جسته و بدین وصف اهتمام جدی به عمل آورده است تا مولفه های تاثیرگذار در سارقان مسلح را به عنوان بزهکاری خشن، با متغیرهای موثر در بزهکاران عادی به عنوان مجرمان غیر خشن ارائه و مطرح نماید.

تعریف عملیاتی واژه ها :

۱- سرقت مسلحانه

هر گاه سارق با اسلحه، امنیت مردم یا جاده را بر هم زند و رعب و وحشت ایجاد کند، سرقت مسلحانه محقق می گردد. همچنین اگر دو یا چند نفر با اجتماع و تباری قبلی و به انگیزه سرقت با سلاح به بانک ها یا صرافی ها یا جواهر فروشی ها و به طور کلی به هر محلی که در آن وجوه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیا ی قیمتی وجود دارد وارد شوند ، به آن سرقت مسلحانه می گویند.

۲- مهاجرت

از جایی به جای دیگر رفتن و در آنجا منزل کردن و دوری کردن از شهر و دیار تعریف شده است. تعریف مهاجرت از نظر حقوقی با جامعه شناسی متفاوت است. در این تحقیق، تعریف جامعه شناسی آن مورد نظر است که معنای جابه جایی و انتقال افراد از زادگاه خود به شهر یا منطقه و یا کشور دیگر است (شیخاوندی، ۱۳۸۰ : ۱۰۱).

محقق در این تالیف به کلیه ی کسانی که به هر دلیل، موطن و کشور و شهر و دیار خود را ترک و در کلان شهر سکونت موقت یا دائم کرده اند از یک روز تا نسل اول را به عنوان مهاجر اطلاق کرده است هر چند جامعه شناسان، نسل دوم انسان های مهاجر را، به عنوان فرزندان مهاجر تلقی می نمایند، لیکن در این تحقیق به انسان های نسل اول اکتفا شده است.

۳- حالت های خطر ناک

حالتی است که بر اثر اقتران عوامل جرم زا (عوامل فردی- عوامل اجتماعی) و تاثیر آن در یک فرد معین، او را با ارتکاب جرم می کشاند (دانش ، ۱۳۶۸ : ۳۳۵).

۴- امنیت

در معنی لغوی در امان بودن، ایمنی، بی ترسی و آرامش و آسودگی ایجاد کردن (دهخدا، ۱۳۷۳ : ۲۱۲). در تعریف عملیاتی باید گفت واژه امنیت یک واژه ی کلی و عام است که در حوزه های متعددی همچون امنیت فکری و عقیدتی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی ، امنیت سیاسی ، امنیت شغلی و... به کار می رود. در یک تعریف کلی می توان واژه ی امنیت را به عدم تشویق و اضطراب نسبت به تعرض در قبال بر خورداری از نوع خاصی از تفکر سیاسی ، اجتماعی و ایمنی در حفظ اقتصادی و حیثیت، جان، حقوق، مسکن و همچنین احساس بی خوفی و آرامش خیال و فکر از تهدید و تعرض به جرم های شخصی و اجتماعی ، تبیین کرد، (امام خمینی ۱۳۶۱ ، ج ۲ : ۲۲۹).

مسئله و سوال های تحقیق

محقق در این تحقیق به بررسی تاثیر مهاجران در سرقت های مسلحانه در کلان شهر در سال ۱۳۸۰ که در ارتباط با سرقت های مسلحانه دستگیر، و به جرم خود اعتراف کرده اند و یا محکومیت یافته اند و یا در انتظار صدور حکم

نهایی بوده اند، پرداخته است. برای تمایز مولفه های تاثیر گذار بر متغیر های وابسته ، سرقت مسلحانه رابه عنوان یک جرم قهر آمیز و خشن و شناسایی ویژگی های مرتکبان این نوع جرم ، تلاش وافر ی به عمل آمد تا با تطبیق عوامل تاثیر گذار در سارقان مسلح و قیاس آن با یک نوع جرم دیگری که حائز خشونت نباشد، چهره و نما و علل موجود این دو جرم را به تصویر بکشد. به این منظور علل تاثیر گذار به روش علی - مقایسه ای یزرسی شد و در این طریق اهتمام وافی به عمل آمد تا به مسئله ی تحقیق که عبارت بود از :

«نقش مهاجران در وقوع سرقت مسلحانه کلان شهر در سال ۱۳۸۰ چه میزان است؟» و به سوال های فرعی دیگری که پیش روی محققان قرار داشت و شامل موارد زیر بود، پاسخ دهد.

- ۱- آیا مهاجران در سرقت های مسلحانه کلان شهر نقش موثری دارند ؟
- ۲- آیا بافت قومی و فرهنگی در گرایش افراد به سرقت های مسلحانه تاثیر دارند ؟
- ۳- آیا محیط جغرافیایی و اقلیمی در خلق روحیه ی خشونت با به کار گیری سلاح در سرقت ها نقش دارند ؟
- ۴- آیا دسترسی به سلاح موجب گرایش به سرقت های مسلحانه می شود ؟
- ۵- آیا بین گمنامی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد ؟
- ۶- آیا تراز پایین هوشی در گرایش افراد به سرقت مسلحانه نقش دارد ؟

آنچه که به عنوان دلیل اصلی باعث شد تا نگارنده ی موضوع مزبور را برای تحقیق انتخاب نماید ؛ گذران بیش از ۱۵ سال از سنوات خدمتی در مبارزه با بزهکاری مسلح در کلان شهر بوده است. مجال به وجود آمده بهترین فرصتی بود که محقق باور ها و تجارب خود را با باور های علمی به بوته ی آزمون نهد و علاوه بر آن کنش غیر عادی و خشونت بار سارقان مسلح که با اعمال خود، فضای امنیتی کلان شهر را هر چند گاه سست می کردند از طیق شناسایی علل گرایش مهاجران به یک جرم غیر خشن، مانند جرم کلاهبرداری - که به روش تصادفی در بین جرایم غیر خشونت آمیز گزینش شده بود - تلاش گردید تا پاسخ های علمی و منطقی به سوال های مفروض داده شود.

ادبیات تحقیق (مبانی نظری)

دید گاه روانشناسی جنایی

روان شناسی جنایی، علم مطالعه شخصیت تبهکار و شناخت علل و انگیزه های و نیز شیوه های جامعه پذیری و تجربه های کودکی و محیط زندگی تبهکار و نقش نا خود آگاه او را در ارتکاب تبهکاری است.

« بارتل » (۱۹۹۵) روان شناس مشهور آمریکایی می گوید : « روانشناسی جنایی را می توان مطالعه ی علمی رفتار جنایی و فر آیند های ذهنی در ارتکاب جرم نقش دارند تعریف کرد ». وی رفتار مخالف با قوانین متعارف جامعه را « رفتار جنایی » نامیده است. (کریمی ۱۳۷۹ : ۲۱۵)

دید گاه روان شناسی جنایی در بروز رفتار مجرمانه

الف (مطالعه و شناخت علل و انگیزه های تبهکاری و تبهکار

روان شناسی جنایی، تبهکار را در حکم بیماری می داند که تحت تاثیر عوامل درونی و شرایط و مقتضیات محلی به ناچار دست به ارتکاب جرم زده است. از این رو نیاز به درمان، اصلاح و ارشاد دارد؛ اگر درمان پذیر است چه بهتر و گرنه باید در مکان هایی چون بیمارستان، ندامتگاه، اردوگاه و ... دور از اجتماع نگهداری شود تا مجدداً زیان هایی را متوجه جامعه نسازد.

افلاطون فیلسوف بزرگ یونانی می گوید: « قانون گذار باید جنایتکاران را مانند بیمارانی که نیاز به مداوا دارند تلقی نماید و به آنان یاد دهد که از ارتکاب مجدد جنایت خودداری کند. در جامعه نیک بخت، هیچ کس مایوس نیست حتی جانپان » (کریمی ۱۳۷۹ : ۲۱۶).

ب (پیشگیری از وقوع احتمالی تبهکاری

به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی باید با استفاده از شناسایی علل و انگیزه های تبهکاری، نسبت به پیشگیری آن اقدام کرد؛ زیرا پیشگیری همواره ساده تر، علمی تر و کم هزینه تر از درمان است. به بیان دیگر پیشگیری بهتر از درمان است.

افریکوفری جرم شناس ایتالیایی می گوید: « برای آنکه جرم ها تقلیل پیدا کنند و مبارزه با آنه ثمر بخش باشد، باید قبل از وقوع آنها تدبیر های اساسی و پیشگیری لازم به عمل آید؛ زیرا بدون کمک روان شناسی جنایی پیشگیری از وقوع جرم و با سازی مجرم میسر نیست.» (ستوده ۱۳۷۸ : ۲۱ تا ۲۵).

ج) باز پذیری اجتماع و تداوم زمان

به منظور پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد رفتار تبهکارانه و تلاش در سازگار کردن تبهکار با شریط و مقتضیات اجتماعی و فرهنگی جامعه، باید اقداماتی تامینی را در نظر گرفت؛ زیرا هدف اصلی آن پیشگیری از ارتکاب جرم، بازسازی و باز پذیری اجتماعی تبهکاران است.

باید به موازات مجازات و اقدامات و تدابیر تدافعی و تامینی که بیشتر جنبه ی تربیتی و حمایتی و کمک دارد روش های مناسب روان شناسی و تربیتی و درمانی و اصلاحی برای تذهیب تبهکاران پیش بینی می شود و تعمیم یابد (کی ینا، ۱۳۶۹ : ۲۱۹)

نیل به این هدف ها از دو طریق امکان دارد :

الف (از دیدگاه اجتماع : چون رفتار تبهکارانه، امنیت و ثبات اجتماع را به هم می زند؛ جامعه حق دارد با وسایل مختلف در صدد ریشه کن ساختن جرم و صیانت از خود، مجرم را مجازات کند. آنچه که قبل از هر چیز باید مورد توجه قرار گیرد کشف علل و انگیزه های جرم و اجرای عادلانه مجازات نسبت به تبهکار است. منظور از مجازات نیز باید تهنید، اصلاح و تربیت فردی که هنجار ها و ارزش های اجتماعی را نادیده گرفته است، باشد (ستوده، ۱۳۷۸ : ۲۴).

ب (از دیدگاه مجرم : مطالعه و تحقیق در پیرامون علل و انگیزه های آشکار و پنهانی که مجرم را به ارتکاب جرم وا می دارد، ضروری است. باید بین دو مرحله یعنی (نفس متهم) و (تبهکار) فرق گذارد؛ زیرا در حالت

اول مقصود کشف برائت یا محکومیت متهم است، حال آنکه در حالت دوم، کشف علل و انگیزه های جرم است که از روان ناخودآگاه مجرم ناشی شده است و بایستی به بررسی تجربه های دوران کودکی و شرایط محیطی و شیوه اجتماعی شدن و ویبگی های ساختاری خانواده ای که در آن رشد کرده و تربیت یافته است؛ پرداخت و نیز تاثیر این عوامل را در ارتکاب و درجه مسئولیت پذیری مجرم در جهت مجازات و کیفر یا اصلاح و درمان او تعیین کرد.

بسیاری از متخصصان بالینی، ناتوانی احتمالی افراد ضد اجتماعی را در عبرت آموزی از تجربه، مورد تاکید قرار داده اند. ریچارد در سال ۱۹۳۷ اینگونه افراد را «کودن های اخلاقی» نامیده است. (دانش، ۱۳۸۲)

کلک لی، در بررسی های خود درمی یابد که افراد ضد اجتماعی به ویژه در پند آموختن از تجارب تنبیه، دچار نارسایی بوده، قضاوت و داوری ضعیف هستند، با این وجود افرادی فهمیده و هوشیارند. در واقع اگر آنان از یک ضعف و نارسایی در رنج آموختن هستند ممکن است در افراد ضد اجتماعی مورد مطالعه واقع شده نارسایی های مربوط به یادگیری اجتنابی است (کریمی، ۱۳۸۹)

مشاهدات کلک لی به ویژه حاکی از آن است که افراد ضد اجتماعی در یادگیری اجتنابی دچار نارسایی هستند. افراد عادی به سرعت می آموزند که اوضاع و احوال را پیش بینی کنند و از موقعیت های تنبیه کننده بپرهیزند، اما افراد ضد اجتماعی شاید به دلیل کم انگیزتگی و نگرانی پایین در چنین مواردی کوتاهی می ورزند.

دیدگاه روان شناسی پرخاشگری

روان شناسان اجتماعی سه نظریه عمده درباره علل و انگیزه های پرخاشگری مورد تبیین قرار داده اند:

۱- نظریه زیستی پرخاشگری؛

۲- نظریه ناکامی - پرخاشگری

۳- نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه زیستی پرخاشگری

قدیمی ترین علت شناخته شده برای پرخاشگری حول این محور می چرخد که انسان ها از نظر ماهیت زیست شناختی، برای پرخاشگری برنامه ریزی شده اند. نخستین و معروف ترین نظریه در این باره مربوط به زیگموند فروید (۱۹۲۳) است.

فروید کلیه اعمال آدمی را با دو گزینه زندگی و مرگ تحلیل می کند و می گوید: «گزینه مرگ هم باید به شکلی تخلیه شود یا به بیرون، به صورت پرخاشگری و خشونت در دیگر کشی، و یا به درون، به صورت اعمال تخریبی و خودکشی» (کریمی؛ ۱۳۸۹، ۲۲۳)

لوزنر (۱۹۶۶) نیز مانند فروید معتقد است که انسان و حیوان هر دو ذاتاً پرخاشگرند؛ با این تفاوت که حیوانات در طول تکامل خود و برای حفظ گونه خود به سازوکارهایی دست یافته اند که تکانه های پرخاشگرانه آنها را بر ضد گونه خود مهار می کند، حال آنکه در مورد انسان ها چنین نیست، از جمله

ساز و کارها در حیوانات، رفتارهای آداب گونه آنها به هنگام جنگ است که مانع از گسترش خشونت می شود؛ مثلاً "گرگ هنگامی که ببیند حریفش قدر است بر زمین دراز می کشد و گلپوش را نشان می دهد". کی بینا، ۱۳۷۹، ۲۲۵)

نظریه ناکامی - پرخاشگری :

به باور جان دالرد و همکارانش، پرخاشگری همیشه پیامد ناکامی است و ناکامی همیشه منجر به پرخاشگری می شود؛ هیچ یک نمی تواند بدون دیگری صورت گیرند و هر چیزی که مانع رسیدن به هدف شود ناکامی را سبب می گردد.

نظریه ناکامی - پرخاشگری، به جای تاکید روی گرایش انواع آدم ها به پرخاشگری، به انواع وضعیت یا تجربه هایی که ممکن است پرخاشگری را در هر فردی رشد بدهد، تاکید می کند. خاستگاه ناکامی ممکن است در ساختار شخصیت فرد و یا در محیط خارجی وی باشد. شدت ناکامی متغیر است و شدت تمایل درونی به پرخاشگری نیز متفاوت است (ستوده، ۱۳۸۷)

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بر این حقیقت تاکید دارد که رفتار پرخاشگرانه مانند دیگر رفتارهای اجتماعی آموخته می شود. روان شناسان اجتماعی پافشاری می کنند که پرخاشگری یک رفتار اجتماعی است که در نتیجه پاداش و تنبیه و نیز از طریق تقلید از الگوها آموخته می شود.

پرخاشگری چگونه شکل می گیرد؟

تحقیقات بروکووتیز (۱۹۸۶) نشان می دهد که مشاهده آلات و ابزار پرخاشگری در شخص مشاهده کننده، حالت پرخاشگرانه را بر می انگیزد. او عقیده دارد وجود محرک های خشونت و پرخاشگری، ارتباط مستقیمی با ارتکاب خشونت دارد و هر چه میزان حضور این محرک ها برای فرد بیشتر وجود داشته باشد میزان خشونت و مبارزه جویی او نیز بیشتر خواهد شد. (کریمی، ۱۳۸۹)

بروکووتیز بر این باور است که این سلاح ها در بسیاری از موارد و موقعیت ها با ارتکاب خشونت و جنایت ارتباط دارد، حتی اگر از آنها استفاده نیز نشود. همین وجود آنها در صحنه، تمایل شخص را به پرخاشگری و دست زدن به کارهای خلاف بیشتر می سازد.

آلبرت بندور (۱۹۶۱) در نظریه اش تحت عنوان پیشروی نظریه های یادگیری اجتماعی، عقیده دارد که پرخاشگری نه تنها از طریق تجربه، بلکه با مشاهده رفتار دیگران مانند بسیاری از رفتارهای اجتماعی دیگر آموخته است. (کریمی، ۱۳۸۹: ۲۱۰ تا ۲۱۵)

مهاجرت چیست؟

هرچند پژوهش حاضر متوجه بخشی از مهاجران است که در پدیده مجرمانه سرقت های مسلحانه در کلان شهرها تاصیر گذار بوده اند، لیکن نباید به طور اعم مهاجران را مشکل زا دانست، چرا که بخش اعظمی از مهاجران در کشورها و همچنین کشورمان در ارتقای علم و دانش، ابداعات و اختراعات و ترویج بالندگی اقتصادی سهم شایسته و بسزایی دارند و مباحث و افتخار دولت ها و جوامع را به ارمغان می آورند. با اینکه آثار هر نوع مهاجرت در دگرگونی های اجتماعی کم و بیش مشابه است، اما از دیدگاه جرم شناسی، مهاجرت روستائیان به شهرها حائز اهمیت است و در جوامع مختلف کنونی مخصوصاً در جهان سوم به صورت یک پدیده بغرنج اجتماعی درآمده است.

در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت روستائیان به جوامع شهری در حقیقت انتقال فقر روستاها به شهرهاست. این توده های انبوه انسانی که در مرحله تحول از زندگی روستایی به شهری قرار می گیرند، برای تطبیق، تثبیت وضع موجود خویش از نظر اقتصادی و اجتماعی ناگزیرند در حاشیه های زندگی کنند. بررسی علل مهاجرت مورد توجه جامعه شناسان اصست. علت مهاجرت هر چه باشد محققان جامعه شناسی جنایی کوشیده اند تا صرفاً انواع مهاجرت را بر مبنای درون کوچی تبیین و آثار آن را در تقلیل یا فزونی بزهکاری در خاستگاه و مقصد جدید بررسی نمایند.

لئوته تحت عنوان «جنبش های جمعیت و جلای از وطن» می نویسد: « بعضی افراد اگر در زادگاه و محیط سنتی خویش پابرجا می ماندند در برابر وسوسه های جرم انگیز بهتر می توانستند مقاومت ورزند و حال آنکه با جلای از وطن در برابر اینگونه تحریکان شیطانی از پادر می آند و تسلیم می شوند.» (دانش، ۱۳۸۲، ۲۷۳-۲۷۴)

ژولی از جامعه شناسان فرانسوی علل مهاجرت به کلانشهرها را به عنوان پرجمعیت ترین مناطق کشور موارد ذیل را عنوان می کند: « گروهی برای تبهکاری یا اجرای یک عملی مجرمانه به مرکز کشور روی می آورند. گروهی از مهاجران در شهرستانهای موطن خود، مرتکب اعمال شرم آوری شده اند و برای فرار از روسای، گمنامی و بمنظور فراموشی به کلانشهرها روی می آورند.»

گروهی بدون سوء نیت به کلان شهرها وارد شده، اما در اثر لذت طلبی، اغوا و فاسد شده اند. آخرین گروه از کارگان بی احتیاط تشکیل شده که بیش از لزوم به کلانشهرها هجوم می آورند و از دریافت اعانه بیکاری محرومند و مولد بزهکاری می گردند. (کی نیا، ۱۳۷۹)

فروید دلبستگی را مقدمه برزو حالت خطرناک بیان کرده و معتقد است که «ثروتمند شدن مهاجران از نظر فراموشی غم غربت، به مثابه قرص مسکن و بیهوشی در دردهای شدید است و آثار روانی مهاجرت را از بین می برد.»

به هر حال در ارتکاب با جرایم، عوامل متعددی از آن جمله محیط جغرافیایی، محیط اجتماعی، وضعیت اقتصادی، نژاد و قومیت و پدیده گمنامی، دسترسی به منابع تسهیل کننده بزهکاری همچون سلاح و... می توانند موثر باشند. تاثیر این عوامل در مهاجران و انحرافات اجتماعی آنان، بیش از افراد بومی می باشد. بالاخص پدیده ی گمنامی که در ذات مهاجرت نهفته است در بروز شرایط اقتصادی و در حال تحول انطباق

می دهند. این مسئله البته بدان معنی نیست که لزوماً تمام مهاجران با عوامل اقتصادی تحریک شده و مهاجرت کرده اند، اما میزان بالای تحریک جغرافیایی و نیروی کار یک شرایط لازم برای جوامع صنعتی و فرا صنعتی است.

رابطه محیط جغرافیایی و اقلیمی با سرقت های مسلحانه

دانشمندان و فلاسفه از قرن های پیش میزان تطابق انسان را با آب و هوا، فصول، موقعیت زمین و منابع طبیعی مورد بحث قرار داده و تاثیر عوامل مذکور را در رفتار و کردار و اعمال گروه های انسانی تأکید کرده اند و معتقدند که اعمال و رفتار انسانی تا حد زیادی تابع خصوصیات محیطی است که امکانات نوینی را به وجود آورده و سطح زندگی را نیز بالا می برد و تحولات عمیقی را در شرایط اقتصادی ایجاد می کند. بقراط (۳۵۶ - ۴۶۰ قبل از میلاد) پزشک عال قدر یونانی نخستین کسی است که اقلیم، فصول و آب هوا را موثر در وضع زندگی بشر اعلام کرده است.

منتسکیو دانشمند فرانسوی در کتاب « روح القوانين » بر تاثیر محیط جغرافیایی در وضع جسمی و خصائل روانی انسان تأکید می کند. وی ساکنان نقاط سرد سیر را بلغمی مزاج و بی حال و از لحاظ جسمانی نیرومند و اهالی منطق گرمسیر را حساس، قانع، محجوب و کم کار توصیف کرده است (کی نیا، ۱۳۷۹ : ۲۶۵).

رابطه محیط اقتصادی سرقت های مسلحانه

در جامعه ای که منشا بروز تمام اختلافات، منازعات و کشمکش های اجتماعی با توسل به سلاح انجام می شود و به کارگیری سلاح را به عنوان یک فرهنگ پذیرفته اند؛ طبعاً جوانان آن را در طریق اعمال ضد اجتماعی همچون جرایم علیه اموال ؛ استفاده از سلاح را در اولویت خود قرار داده و به پیروی و ناشی از فرهنگ اجتماعی خویش با روحیه خشونت نیز عجین می شوند (دانش، ۱۳۸۲)

بونگر دانشمند هلندی، تبهکاری و شرایط اقتصادی را در سال ۱۹۰۵ در آمستردام بررسی کرد و بیان داشت : « بین اوضاع و شرایط اقتصادی و ارتکاب جرم رابطه مستقیم وجود دارد و تحولات اقتصادی نوع جرایم را تغییر می دهد. با تحول اقتصاد صنعتی جرایم خشونت آمیز همچون قتل و سرقت های مسلحانه و سرقت های به عنف تبدیل به جرایم توام با مکر و حيله و طرح و نقشه ی قبلی می گردد و بحران اقتصادی، نوسانات قیمت ها، وضع پول، تورم و بیکاری در ازدیاد جرایم مالی مخصوصاً سرقت مسلحانه تاثیر کلی دارد و با بهبود وضع اقتصادی جرایم علیه اموال تقلیل می یابد (همان منبع).

رابطه ی گمنامی در شهر های بزرگ و پر جمعیت با سرقت های مسلحانه

نتیجه ی بررسی سازمان ملل پیرامون شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران حاکی است : « شهرنشینی در تمام شئون زندگی تاثیر گذاشته و تغییراتی در نحوه ی توزیع جمعیت به وجود آورده و امکانات بیشتری برای قانون شکنی و جنایت فرام آورده است.»

شهرنشینی مجموعه گسترده تری از روابط اجتماعی در سطح جامعه به وجود آورده است که به صورت همبستگی غیر شخصی یعنی همبستگی های اجتماعی در آمده و خرده فرهنگ هایی ایجاد کرده است که این خرده فرهنگ ها و دیگر پدیده های شهرنشینی برای کنترل رفتار انسان دشواری هایی به وجود آورده است. شهرنشینی امکاناتی فراهم کرده است که پاره ای از افراد بتوانند به جنایت های متعددی دست زده و از چنگال قانون فرار کنند؛ زیرا احتمال دستگیر شدن در شهر های بزرگ، مظاهر ثروت و فقر در کنار یکدیگر دیده می شوند؛ همچنین تغییرات سریع در شئون زندگی اجتماعی و ستیز بین نقش ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی روزافزون جمعیت و رهایی مردم از کنترل های رسمی و اجتماعی ، عدم تجانس گروه های مختلف به جهت مهاجرت های زیاد روستائیان و شهرهای کوچک و محروم و انبوهی جمعیت، به همراه رهایی افراد از تسلط عاطفی گروه های وابسته و نزدیک و افزایش اختلاف طبقاتی در اجتماع و ایجاد تخصص ها و دور بودن از محل سکونت افراد و تنوع وظایف، جدایی مردم از یکدیگر را به صورت یک واقعیت اجتماعی در آورده و باعث شده است که افراد در گمنامی باقی بمانند و تحت این شرایط اجتماعی کنش های متقابل اجتماعی بالاخص در میان مهاجران که در حاشیه شهرها و مناطق فقرنشین سکونت می یابند به رنگ خشونت آمیخته شده و به صورت رفتار مطلوب در میان آنان نمایان گردد. (فرجاد، ۱۳۸۶؛ ۱۹۵ تا ۲۰۸)

رابطه هوش با سرقت های مسلحانه

یکی از مواردی که در زمینه ضعف یادگیری در افراد ضد اجتماعی مورد مطالعه واق شده است نارسایی مربوط به یادگیری است.

مطالعات «کلک لی» حاکی از آن است که افراد ضد اجتماعی در یادگیری اجتنابی دچار نارسایی هستند. افراد عادی به سرعت می آموزند که اوضاع و احوال را پیش بینی کنند و از موقعیت های تنبیه کننده بپرهیزند. اما افراد ضد اجتماعی مانند سارقین مسلح به جهت ضعف در یادگیری و همچنین کم انگیزگی و دلواپسی پایین؛ در چنین مواردی قصور می ورزند.

موضوع دیگری که در زمینه نارسایی یادگیری و هوشمندی و ضعف در فراگیری مهارت های تطابقی در افراد ضد اجتماعی؛ بررسی شده فوریت نتایج است؛ بدین معنی که هر قدر فاصله زمانی بین یک رفتار و نتایج حاصل از آن بیشتر باشد، ادارک ارتباط بین آن رفتار و نتایج آن مشکل تر است.

روش تحقیق

پژوهندگان با توجه به زمان معین در وقوع سرقت های مسلحانه در کلان شهرها (مطالعه موردی تهران بزرگ) که یک واقعه پس رویدادی تلقی می شود و برای اینکه بتواند علل موجهه اینگونه جرایم را که مجرمان آن، به جهت دارا بودن حالت های خطرناک و خشونت بار اط سلاح بهره می گیرند بهتر بشناساند؛ بر آن شد تا آن را با علل موجهه یکی از جرایمی که فاقد آثار خشونت بار است، تطبیق و قیاس نموده و با مقایسه، علل موجهه ها آنها را کشف و زمینه های وقوع جرم خشن و جرم غیر خشن در مجرمان را به عنوان یافته های علم ارائه کند. طبعاً " محققین در این تحقیق از روش علی - مقایسه ای بهره جستند و از طریق تعیین یک نوع جرمی که فاقد آثار خشونت بار باشد و مضافاً امکانات و ابزار دسترسی به آن نیز فراهم باشد، انواع جرایم غیر خشن (جعل - سرقت عادی وسایل نقلیه - کلاهبرداری و سرقت های عادی منازل و ..) شناسایی و سپس به روش تصادفی، بزه کاران کلاهبرداری تعیین شد و بدین وصف در روش اجرای تحقیق (علی - مقایسه ای) یک جامعه آماری از کلاهبرداران دستگیر شده در مدت مشابه نیز احصاء گردیده اند تا با سنجش فراوانی های مهاجران به دو نوع جرم خشن و غیر خشن علل موجهه و تاثیر گذار در گرایش مهاجران به سرقت های مسلحانه به عنوان جرایم خشن و به بزه کلاهبرداری به عنوان یک جرم غیر خشن استخراج و مورد استنتاج واقع شد.

جامعه آماری و حجم جامعه

در تحقیق حاضر، جامعه آماری شامل سارقان مسلح و کلاهبرداران دستگیر شده در سال ۱۳۸۰ (به صورت تصادفی انتخاب گردید) که در سال مذکور در کلانشهر تهران بزرگ (به صورت تصادفی انتخاب شده است) مرتکب جرم سرقت های مسلحانه و کلاهبرداری شده بودند. جامعه آماری سارقان مسلح ۴۶ نفر و جامعه آماری کلاهبرداران ۲۳۸ نفر بوده اند. هر دو جامعه فوق مربوط به متهمانی بوده اند که به جرم خود اعتراف کرده و محکومیت یافته بوده اند و از نظر قانونی مجرم تلقی می شده اند.

روش نمونه گیری

نظر به محدودیت حجم جامعه آماری سارقان مسلح در سال ۱۳۸۰ که ۴۶ نفر می باشند، ضرورتی بر نمونه گیری از جامعه مزبور احساس نگردید و حجم جامعه کل شماری شده است. همه حجم جامعه سارقان مسلح دستگیری شده در سال ۱۳۸۰ به عنوان حجم نمونه نیز تلقی گردید، لیکن به جهت گستردگی جامعه آماری کلاهبرداران در مدت مشابه که ۲۳۸ نفر بودند حجم نمونه ای از جامعه آماری مذکور به تعداد جامعه سارقان مسلح با روش استفاده از جداول اعداد تصادفی تعیین شد.

فرضیه های تحقیق

۱- میزان شیوع سرقت مسلحانه در بین مهاجران، پیش از مهاجران است.

- ۲- محیط جغرافیایی و اقلیمی مهاجران در گرایش افراد به سرقت های مسلحانه نقش دارد.
- ۳- بین بافت قومی و فرهنگی و گرایش افراد به سرقت های مسلحانه رابطه وجود دارد.
- ۴- بین گمنامی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد.
- ۵- طراز پایین هوشی در گرایش افراد به سرقت های مسلحانه نقش دارد.

روش جمع آوری اطلاعات و آزمون فرضیه ها

پژوهشگران از فن مصاحبه و پرسشنامه و بررسی اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای و آزمون هوش به عنوان ابزار اصلی در اندازه گیری، بهره جست و پرسش های تحقیق را با روش کمی کردن و با مصاحبه و مذاکره با متخصصان علوم جنایی و امور اجرایی همچون افسران جنایی و با صاحبان دانش و تحقیق تنظیم گردیده و نتایج به شرح جداول زیر حاصل شده است.

برای آزمون فرضیه اول تحقیق که اشعار می دارد: « میزان شیوع سرقت مسلحانه در بین مهاجران بیش از غیر مهاجران است » ابتدا فراوانی مهاجران و غیر مهاجران دو گروه محاسبه و در جدول زیر درج شده است.

جدول شماره یک - فراوانی مهاجران و غیر مهاجران دو گروه

گروه	مهاجر	غیر مهاجر	جمع
کلاهدردان	۱۶	۳۰	۴۶
سارقان مسلح	۲۹	۱۷	۴۶
جمع	۴۵	۴۷	-----

فراوانی های مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری χ^2 (کای اسکوئر) مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان داد که بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار در سطح $P < 0.0001$ تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه نخست با احتساب یک درصد خطا مورد تأیید قرار گرفت. از همین روی میتوان نتیجه گرفت که میزان شیوع سرقت مسلحانه در بین مهاجران بیش از غیر مهاجران است. تایید این فرضیه یادآور نظریه «ژولی» جامعه شناس معروف فرانسوی است که در ارتباط با مهاجران، ظن بروز حالت و ارتکاب جرایم خشن را برای آنان پیش بینی کرده بود و در خصوص مهاجران جوان نیز مطرح کرده بود « که جوانان مهاجر به امید تحقق آمال و آرزوهای خویش، زادگاه خود را ترک می کنند و برای خود غم انگیزترین و جنون آمیزترین سرنوشت را رقم می زنند.» (ستوده، ۱۳۸۸، ۱۷۵)

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی و فراوانی نسبی دو گروه سارقان مسلح و

کلاهبرداران دستگیر شده در سال ۸۰ بر حسب موطن

کلاهبرداران		موطن	سارقان مسلح		موطن
فراوانی نسبی یا درصد فراوانی P	فراوانی		فراوانی نسبی یا درصد فراوانی P	فراوانی	
۶۶	۳۰	تهران بزرگ	۳۷	۱۷	تهران بزرگ
۷	۳	خوزستان	۱۵	۷	همدان
۳۴/۲	۲	آذربایجان شرقی	۱۳	۶	لرستان
۱۷/۲	۱	استان تهران	۸	۴	مرکزی
۲	۱	همدان	۷	۳	ایلام
۲	۱	گیلان	۴	۲	کرمانشاه
۲	۱	کرمان	۴	۲	خراسان
۲	۱	سیستان و بلوچستان	۲	۲	اردبیل
۲	۱	فارس	۲	۱	آذربایجان شرقی
۲	۱	قزوین	۲	۱	مازندران
۲	۱	اصفهان	۲	۱	گیلان
۲	۱	مازندران	-----	-----	-----
۲	۱	سنگال	-----	-----	-----
۲	۱	لبنان	-----	-----	-----
۱	۴۶	*****	۱	۴۶	جمع

در فرضیه دوم، رابطه محیط جغرافیایی و اقلیمی با سرقت مسلحانه با احصاء چهار نوع اقلیم جغرافیایی و آب و هوایی، مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار، احصاء و با آزمون X^2 (خی ۲)، فراوانی ها مورد مقایسه قرار گرفت و نتیجه حاصله نشان داد که X^2 محاسبه شده در سطح $P < 0.0001$ برابر $24/78$ است که بزرگتر از X^2 استاندارد است و نتیجه گرفته شد که «میزان گرایش به سرقت مسلحانه در بین شهروندان اقلیم سرد و کوهستانی بیش از اقلیم دیگر است.»

«تائید فرضیه دوم تحقیق، صحه بر نظرات دانشمندان بزرگی همچون بقراط، منتسیکو، کتله و ... می باشد. این فرضیه دانشمندان بیان می دارد» محیط جغرافیایی در پیشرفت و ترقی و یا برعکس در بروز حالت خطرناک و وقوع جرایم مثر است و آب و هوا و رطوبت و فشار هوا را در ارتکاب انواع جرایم موثر می دانند و معتقدند وقتی فشار هوا کم می شود(مناطق سردسیر کوهستانی) جرایم خشونت آمیز افزایش می یابد و برعکس، رطوبت هوا زیادتیر می گردد جرایم توام با خشونت کمتر اتفاق می افتد» (کی نیا، ۱۳۷۹، ۳۱۰)

برای فرضیه سوم تحقیق که ادعا می کرد « محیط جغرافیایی و اقلیمی در رگایش افراد به سرقت های مسلحانه نقش دارد.» ابتدا فراوانی ها ی مشاهده شده و مورد انتظار سارقان مسلح در چهار نوع اقلیم جغرافیایی و آب و هوایی محاسبه و در جدول زیر درج شد.

جدول شماره ۳- فراوانی مشاهده شده از تنوع اقلیم موطن سارقان مسلح

دستگیر شده در سال ۱۳۸۰ در تهران بزرگ که مرتکب سرقت مسلحانه شده بودن

و مورد انتظار به تفکیک اقلیم

اقلیم	فراوانی مشاهده شده (O)	فراوانی مورد انتظار (E)
سرد کوهستانی	۲۳	۱۱/۵
خشک کوهپایه ای	۱۶	۱۱/۵
گرم و خشک	۵	۱۱/۵
مرطوب	۲	۱۱/۵
جمع	۴۶	****

فراوانی های مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون X^2 (خی ۲) مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد در سطح $P < 0.001$ ($X^2 = 24.78$) بزرگتر از X^2 استاندارد است. بنابراین، فرضیه سوم تحقیق تائید می شود و بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که میزان سزرتت مسلحانه در بین شهروندان اقلیم سرد و کوهستانی بیش از اقلیم های دیگر است.

توصیف جدول قانون توزیع فراوانی جمعی مطلق و نسبی سارقان مسلح و کلاهبرداران دستگیر شده تهران بزرگ سال ۱۳۸۰ براساس محیط جغرافیایی و اقلیمی.

۵۰ درصد از سارقان دستگیر شده در سال ۱۳۸۰ در تهران بزرگ در محیط جغرافیای و اقلیمی سرد کوهستانی می زیستند و ۲۵ درصد از آنان نیز در مناطق جغرافیایی و اقلیمی خشک و کوهپایه ای و صرفاً ۱۵

درصد از آنان در مناطق گرم و خشک و مرطوب بوده اند و بدین وصف تاثیر خاص مناطق جغرافیایی و اقلیمی سرد و کوهستانی بر روی سارقان به عنوان یک مولفه ایجاد خشونت، کاملاً " محرز است و حال آنکه تاثیر مناطق جغرافیایی و اقلیمی کوهستانی و سرد در کلاهبرداران دستگیر شده صرفاً ۱۱ درصد است. برای فرضیه چهارم تحقیق که ادعا داشت « بین بافت فرهنگی و قومی و گرایش به سرقت مسلحانه رابطه وجود دارد» ابتداء فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار سارقان مسلح به تفکیک قومیت محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول شماره ۴- فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار سارقان به تفکیک قومیت

قومیت	فراوانی مشاهده شده (O)	فراوانی مورد انتظار (E)
لر	۱۹	۷/۷
کرد	۱۰	۷/۷
فارس	۸	۷/۷
ترک	۵	۷/۷
گیلک	۲	۷/۷
سایر	۲	۷/۷
جمع	۴۶	***

فراوانی های مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری خی ۲ مورد مقایسه قرار گرفتند و نتایج حاصله نشان داد که X^2 محاسبه شده ($X^2=27/04$) در سطح $P<0/0001$ بزرگتر از X^2 استاندارد است. بنابراین می توان نتیجه گرفت بین قومیت و میزان گرایش به سرقت مسلحانه رابطه وجود دارد. به سخن دیگر میزان گرایش لرها و کردها به سرقت های مسلحانه بیش از اقوام دیگر است.

ادعای محققین در فرضیه پنجم «دسترسی به سلاح موجب گرایش به سرقت های مسلحانه می شود.» تفاوت معنی داری مبتنی بر سؤال های مفروض حاصل نشد و فرضیه مورد نظر مورد قبول واقع نشد.

فرضیه ششم تحقیق که «رابطه گمنامی و سرقت مسلحانه را مطرح کرده بود» با استفاده از آزمون آماری T مورد مقایسه قرار گرفت و نتایج حاصل نشان داد که بین T محاسبه شده ($T=15/94$) و T استاندارد ($T=2/61$) در سطح $P<0/0001$ تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. بیدن طریق به اثبات رسید که گمنامی در گرایش به

سرقت مسلحانه نقش دارد که نمایانگر اظهارنظر جامعه شناسان سیاسی، مانند رابرت گراست است که بیان کرده « مجرمان خشن مانند سارقان مسلح و یا تروریست ها و خرابکاران برای سهولت در فرار از دست نیروهای دولتی و ممانعت از شناسایی و اجتناب از درگیری با پلیس به شهرهای بزرگ و پر جمعیت مهاجرت می کنند تا از مزایای این گمنامی و ناشناختگی بهره کافی ببرند.» (ستوده، ۱۳۸۶، ۲۵۱)

برای بررسی رابطه گمنامی و سرقت مسلحانه، ابتداء میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه سارقان مسلح و کلاهبرداران در مورد مربوط به گمنامی محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول شماره ۵- میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در مورد گمنامی

گروه	تعداد N	میانگین M	انحراف معیار G
سارقان مسلح	۴۶	۳/۶	۰/۲۹
کلاهبرداران	۴۶	۲/۴۹	۰/۳۷

و بالاخره رابطه بین طراز هوشی با گرایش به سرقت به عنوان فرضیه آخر با «مقیاس هوشی ریون» محاسبه و نتیجه گیری شد که طراز هوشی سارقان مسلح به صورت معنی داری کمتر از هوش کلاهبرداران است؛ تأیید فرضیه مزبور یادآور دیدگاه های متخصصان بالینی در جرم شناسی مانند «ریچارد» و «کلک لی» است که ریچارد افراد ضد اجتماعی را به عنوان «کودن های اخلاقی» نامید و بیان داشته که «کودنهای اخلاقی از یک ضعف و نارسایی در آموختن رنج می برند.»

«کلک لی» نیز بیان کرد: «افراد ضد اجتماعی در یادگیری اجتنابی، دچار نارسایی هستند و سارقان مسلح به جهت ضعف در یادگیری و همچنین کم انگیزتگی و دلواپسی پایین در چنین مواردی قصور می ورزند.» (ستوده؛ ۱۳۸۶، ۲۲۰)

برای بررسی یا آزمون فرضیه هفتم تحقیق که ادعا می کرد: «طراز پایین هوشی در گرایش به سرقت های مسلحانه نقش دارد.» ابتداء میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی های دو گروه (سارقان مسلح و کلاهبرداران) در مقیاس ریون محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول شماره ۶- میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در آزمون هوشی

گروه	تعداد n	میانگین x	انحراف معیار s
سارقان مسلح	۴۶	۸/۲	۳/۴

۵/۶	۱۳/۱	۴۶	کلاهدردان
*****	*****	۹۲	جمع

میانگن های مندرج در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری T مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان داد که بین T محاسبه شده ($T=۳/۳۸$) و T استاندارد ($T=۲/۶۱$) تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. بنابراین؛ از این یافته می توان نتیجه گرفت که طراز هوشی سارقان مسلح به صورت معنی داری کمتر از هوش کلاهدردان است. بنابراین فرضیه آخر تحقیق با احتساب یک درصد خطا تأیید می شود.

نتایج تحقیق

- ۱- میزان شیوع سرقت های مسلحانه در بین مهاجران بیش از غیر مهاجران است.
- ۲- بین پدیده گمنامی و میزان سرقت های مسلحانه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- عوامل اقلیمی و جغرافیایی در میزان گرایش به سرقت مسلحانه نقش دارند.
- ۴- عوامل فرهنگی و قوم شناختی در گرایش به سرقت مسلحانه نقش دارد.
- ۵- بین طراز هوشی و میزان سرقت های مسلحانه رابطه معنی داری وجود دارد.

پیشنهادهای تحقیق

محققین در این بخش، پیشنهادهای خود را صرفاً حاصل دستاوردهای همین تحقیق است، ارائه می دهند و از ارائه پیشنهادی که خارج از نتایج حاصله در تحقیق باشد خودداری می نمایند. در انجام کلی این تحقیق، محدودیت یا محدودیت هایی که محققین را با موانع خاصی مواجه نماید وجود نداشته، لیکن مراجعه های مکرر و عدیدیه به واحدهای اجرایی و کمبود منابع کتابخانه ای و تنگی زمان از مولفه های کند کننده در روند تحقیقات محسوب می شود.

با این وجود، مطابق جمیع تحقیقات به عمل آمده بر پایه فرضیه های آزمون شده که محققین باید بتوانند پیشنهادهایی را در پیشگیری یا حداقل کاهش سرقت های مسلحانه مطرح کنند. به نظر می رسد همه در این امر موافقت دارند که اقدامات پیشگیرانه از وظایف خدمات عمومی است و طبعاً "پیشگیری از تبهکاری نیز صرفاً" نمی تواند محصور در صلاحیت پلیس باشد، چون سازمانهای متعددی باید به موازات هم تلاش هماهنگی را به ظهور برسانند تا امر پیشگیری از بزهکاری، از جمله بزهکاری مسلحانه حاصل شود. علی رغم اثر

بخشی خط مشی اعمال قدرت توسط پلیس، این شیوه نمی تواند به تنهایی عامل تغییر جدی در ناهنجاری های اجتماعی محسوب شود و به عبارت دیگر با اقدامات صرف پلیسی و اتکا به قوه قهریه و جبر، نمی توان به حل تعارض های اجتماعی پرداخت. اگر چه این خط مشی ها در کوتاه مدت اثر بخشی نسبتاً زیادی دارند، ولی از جنبه های مختلف، انکار ارزش انسانی است و لزوماً فرض در باهوش و عاقل بودن مردم باید باشد که هر یک در محدوده فرهنگ خاص خود محصورند و پاشخ ها و الگوهای رفتاری معینی دارند که مبتنی بر نگرش ها، ارزش ها، سنت ها و روابط با دیگران است.

محققین در امر نهادینه شدن موضوع پیشگیری از سرقت های مسلحانه و مهاجرت الگوهای زیر را پیشنهاد می کنند:

در هر استانی یک کمیته سیاست گذاری جرم منطقه ای، متشکل از جامعه شناسان، روان شناسان، آسیب شناسان، حقوق دانان، متولیان اجرایی و سازمان های خدماتی و عمومی ایجاد و در سطح کشور نیز یک شورای عالی سیاست گذاری جنایی زیر نظر مقام عالی قوه قضائیه به صورت هدفمند تشکیل شود تا بتواند تصمیمات متخذه را در کمیته های مزبوررا اجرایی و کاربردی کند.

در واقع در کنار نیروی پلیس، به عنوان یک عامل موثر تغییر، کلیه سازمان هایی که متولی امور خدماتی هستند باید به عنوان دیگر عوامل تغییر، کوشا باشند و میان عالمان اجتماعی و صاحب نظران و صاحبان دانش و تجربه و وزارتخانه ها و سازمانهای خدمات عمومی با نیروی پلیس، یک نظام ارتباط تخصصی و تشرک مساعی و متضمن روابط پشتیبانی به وجود آید تا در زمینه های گوناگون ناهنجاری، سیاست گذاری و برنامه ریزی کنند و تصمیمات متخذه را اجرایی و عملیاتی کنند.

در ضمن لحاظ موارد ذیل به عنوان مولفه های تاثیر گذار و عوامل تغییر در پیشگیری از سرقت های مسلحانه به طور اعم و پیشگیری از سرقت های مسلحانه توسط مهاجرین به طور اخص، ارائه می شود.

پیشنهادهای کلی و اجتماعی

- تقلیل گرایش افراد در مهاجرت به کلانشهرها با تامین نسبی نیروی اقتصادی و اجتماعی، درمانی، شغلی و حرفه ای و پرورشی و رفاهی در مناطق مهاجرخیز بالاخص در مناطق محرومی که از آب و هوای سرد و کوهستانی برخوردار هستند همچون استانهای غربی کشور.
- تلاش فرهنگی در تغییر و تحول گستره قومیت هایی که سلاح برای آنان قداست خاص دارد. براساس واقعیت موجود در کشورهای سنتی و یا در حال توسعه، قومیت هایی وجود دارند¹ که در گستره فرهنگی آنان، سلاح سمبل دفاعی و نماد برپایی جشن ها و عزاست. نسل جوان در این قومیت ها با دور شدن از قداست سلاح در فرهنگ عشیره ای، گاهی از آن در تسویه حساب های شخصی و اعمال مجرمانه و جرایم خشن همچون قتل و سرقت های مسلحانه بهره می گیرند که لازم است تلاش فرهنگی با بهره گیری از تمام ظرفیت های ملی از در اختیار قرار گرفتن اینگونه سلاح ها برای نسل جوان که با هدف مجرمانه به کلانشهرها مهاجرت می کنند، ممانعت شود. از سویی دولت سلاجهای در اختیار افراد مسلح را کنترل و

شناسنامه دار نمایند. همچنین می توان از قابلیت ها و ظرفیت های آنان در قالب نیروی شبه نظامی و بسیج عشایری استفاده کرد.

- پیشنهاد به دولت در تلاش در خروج از تمرکززدایی امور رفاهی، اجتماعی، خدماتی آموزشی و سرمایه ای در کلانشهرها از طریق انتقال بسیاری از وزارتخانه ها و سازمانها به دیگر مراکز استانهای کشور، که تحقق این مهم می تواند از گستره جغرافیایی و جمعیتی کلانشهرها بکاهد و زمینه ترغیب مهاجران در مراجعت به موطن شان را فراهم آورد.
- دولت در تعامل با کشورهای همجوار و دیگر کشورهای پیشرفته با تصویب معاهده های همکاری در اعزام جویندگان کار به آن کشورها اقدام نماید.
- پیشنهاد مجدد به دولت جهت صدور کارت شناسایی شهروندی با کدهای شناسایی و اخذ اثر انگشت از آنان.



فهرست منابع و ماخذ :

- ۱- امام خمینی (۱۳۶۱) صحیفه نور، تهران، انتشارات مرکز مدارک انقلاب اسلامی
- ۲- دانش، تاج زمان (۱۳۸۲)، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟ تهران؛ انتشارات

کیهان

۳- دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات امیر کبیر

۴- ستوده، هدایت الله(۱۳۸۸)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران؛ انتشارات آوای نور

۵- ستوده، هدایت الله(۱۳۸۶)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران؛ انتشارات آوای نور

۶- شخاوندی، داود(۱۳۴۵)، آسیب شناسی اجتماعی(پرخاشگری انسان)، تهران؛

انتشارات مرنديز

۷- فرجاد؛ محمدحسین(۱۳۸۲)، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات،

تهران؛ نشر بدر

۸- قربانی، فرج الله(۱۳۸۲)، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، تهران، انتشارات

دانشور

۹- کریمی، یوسف(۱۳۸۸)، روانشناسی اجتماعی، تهران، نشر ارسباران

۱۰- کی نیا، مهدی(۱۳۶۹)، مبانی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

۱۱- منتسیکو، شارل(۱۳۲۴)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهدی، تهران، انتشارات

علمی

12-Berekowitz, L. (1999). *Impulse, aggression and the gun*. Psychology Today. 2(4), p:

13- Lorenz, K.(1976). *On aggression*, New York: Hart court, Brace and word.